عنوان مقاله: نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت

نویسندگان: مهسا صادقینژاد و محمد مظلوم خراسانی

منبع:فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۲ شماره ۳بهار ۹۷

صص ۲۸-۷

چکیده

- نخبگان علمی بنیانهای توسعهی جوامع هستند. پیامد کمتوجهی به آنان بحران ضریب هوشی و لطمه به فرآیند توسعه در ابعاد گوناگون است. هدف اصلی نوشتار حاضر نیز بررسی نگرش نخبگان علمی به آیندهی شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت است. روش تحقیق، پیمایش و جامعهی آماری شامل دانشجویان نخبه دانشگاه فردوسی مشهد بود. نمونهی تحقیق طبق روش نمونهگیری طبقهبندی شده با انتساب اپتیموم انتخاب شد. دادهها با استفاده از پرسشنامهی محقق ساخت گردآوری و با نرمافزارهای *SPSS* و *AMOS* توصیف و تحلیل شدند.

چکیده

- روایی و پایایی ابزار به ترتیب بنابر روایی صوری و ضریب آلفای کرونباخ) (۰/۷۴تعیین شدند. نتایج نشان داد که نگرش دانشجویان نخبه به آیندهی شغلی در ایران منفی است و شدت این نگرش در بین دانشجویان پسر بیشتر است. ابعاد نگرش به آیندهی شغلی)ارضاء نیازهای مادی، معنوی، روحی ـ روانی و تناسب شغل با رشتهی تحصیلی(و سابقهی مهاجرت تأثیر مستقیم و معناداری بر تمایل به مهاجرت دارند. بعد ارضای نیازهای مادی از طریق اثرگذاری بر دو بعد ارضای نیازهای معنوی و روحی ـ روانی نیز تأثیر غیر مستقیم و معناداری بر تمایل به مهاجرت دارد؛ حال آنکه جنسیت تأثیر معناداری بر تمایل به مهاجرت ندارد

مفاهیم کلیدی:

نخبگان دانش، نخبگان علمی، دانشجوی نخبه، آیندهی شغلی، تمایل به مهاجرت

مقدمه و بیان مسأله

هارولد لاسول

- اگر چه نخبگان، اقلیتی از کل هر جامعه را به خود اختصاص میدهند، اما سرمایهگذاریهای علمی بر روی آنان خالق آثاری ژرف در کلیهی ابعاد زندگی اجتماعی است. منظور از سرمایهگذاریهای علمی و علمآموزی به این قشر اندک، آموختن علومی است که حاصل آن تقابل نوآوری و فناوری در عرصهی رقابتهای ملی، منطقهای و فرامنطقهای باشد. به گفتهی هارولد لاسول همواره گروهی اندک نقش رهبری را در جوامع (علمی، اجتماعی و ...) به عهده دارند؛ زیرا اندیشهها مبنای هویت علمی، جمعی و قراردادهای اجتماعی قرار میگیرند (عیوضی، ۱۰۲. :۱۳۸۳) بهطور کلی، کشوری که میخواهد در مسیر اقتصاد دانشبنیان گام بردارد نیازمند سرمایهگذاریهای وسیع در بخش آموزش و تحقیقات است (شاه آبادی و همکاران، ۳، :۱۳۹۳) چرا که اساساً نخبگان علمی زیربنای چنین اقتصادی را تشکیل میدهند

- با این همه اغلب دغدغهی اصلی دانشجویان نخبه، آیندهی شغلی نامشخص یا نامناسبی است که انتظار آنها را میکشد (طالبی زیدی و رضایی، ۱۳۸۸؛ جانمردی، ۱۳۸۶؛ حاجی یوسفی و بهمرد، ۱۳۸۵؛) و وجود چنین شرایطی حاصل کمتوجهی به تعامل بین مسئولان با نخبگان علمی، اقدامات و سیاستگذاریهای نامناسب و عدم احساس مسئولیتپذیری دولتها در قبال نخبگان است که پیامد این بیتدبیری، بحران ضریب هوشی در کشور خواهد بود و این هشداری است برای بنیانهای توسعهی کشور (شهرامنیا و اسکندری، ۱۳۸۸.)

عدم احساس مسئولیتپذیری دولتها در قبال نخبگان

- طبق آمارهای رسمی خروج نخبگان علمی از ایران در سال ،۱۳۹۲از یک طرف ۲۵ درصد رتبههای برتر آزمون سراسری و ۳۰درصد دارندگان مدالهای المپیادهای علمی طی سالهای ۱۳۸۲-۸۶به خارج از کشور مهاجرت نمودهاند. به بیان سادهتر، از هر ۱۰ ایرانی که در المپیادهای علمی جهانی مقام کسب کردهاند، ۷نفر در آمریکا و ۳نفر در سایر کشورها مشغول به تحصیلاند (جانعلیزاده چوبستی و همکاران، ۱۵۴. :۱۳۹۳) **از طرف دیگر، بیش از نیمی از تعداد کل مهاجران کشورهای دارای میزان بالای مهاجرفرستی را نخبگان آنها تشکیل میدهند.** در این بین ایران در ردهی پانزدهم کشورهایی قرار گرفته که با میزان بالای مهاجرفرستی نخبگان مواجهاند (شهرامنیا و اسکندری، ۵۲-۵۳ :۱۳۸۸)هر چند که ایران از این لحاظ و در قیاس با سایر کشورها در پایینترین مرتبه قرار دارد، اما به این معنا نیست که از این لحاظ در وضعیت مطلوبی است
-

- البته رویگردانی نخبگان از کشور خود از زوایای گوناگون قابل بررسی است، چرا که ممکن است هر یک از آنها طیف وسیعی از علل را برای ترک کشور عنوان نمایند. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی نگرش نخبگان علمی به آیندهی شغلی خود در ایران و تأثیر این نگرش بر تمایل به خروج از کشور است. جنبهی بارز این پژوهش توجه به آن دسته از نخبگانی است که هنوز اقدام به مهاجرت ننمودهاند و تمایل آنها در مبادرت به این مهم مبنا قرار گرفته است. مزیت بررسی تمایلات در این است که میتوان با شناسایی علل مؤثر بر این تمایلات دست به اقدامات پیشگیرانه زد.

بر مبنای آنچه گفته شد، **دو** سؤال اساسی مطرح است:

- ۱- نگرش نخبگان علمی به آیندهی شغلی خود در ایران چگونه است؟
- ۲- آیا نگرش به آیندهی شغلی در ایران بر تمایل نخبگان علمی به مهاجرت از کشور تأثیرگذار است؟

چهارچوب نظری پژوهش

- مفهوم نخبگان دانش، گروههای متفاوت اهل دانش [۱]و معرفتورزان را در بر میگیرد که نخبگان علمی [۲]یکی از انواع آن است. برخی برای اشاره به این گروه اصطلاح روشنفکران یا نخبگان دانش را به کار میبرند. نخبگان علمی، گروههایی از تولیدکنندگان دانش را تشکیل میدهند که بر اساس منطق معرفتی به اندیشهورزی و خلق آراء و نظریهها میپردازند و در نظریهپردازیهای خود، آگاهانه یا ناآگاهانه اغلب از منطق مستقل اندیشه پیروی میکنند (هاگستروم ،۱۹۷۵.) [۳]

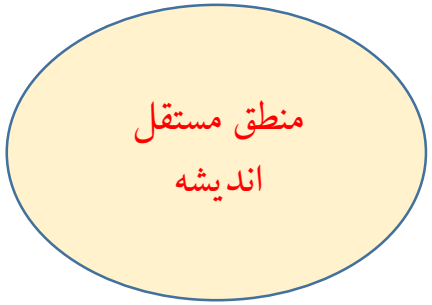

- انواع مختلف نخبگان علمی در جامعهی کنونی عبارتند از: فیلسوفان نظری، نظریهپردازان علوم تجربی و علوم انسانی، پژوهشگران تحقیقات بنیادی و دانشگاهیان علوم پایه. از آنجائیکه نظریهپردازی نخبگان علمی وابسته به فضای معرفتی و جدا از منطق دانش روزمره است، نظریهپردازی آکادمیک نامیده میشود (قانعیراد، ۱۳۸۷: ۴۱).

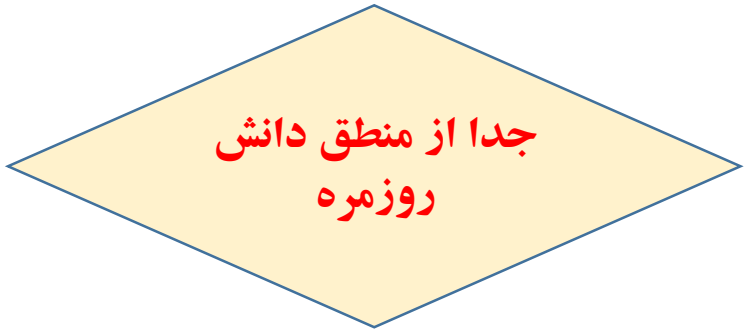

- مفهوم مهاجرت نخبگان علمی از پدیدههای کلاسیک جمعیتشناسی و مباحث معمول جامعهشناسی است (شهرامنیا و اسکندری، ۱۳۸۸: ۴۸.) در چارچوب نظریه ی نیازها میتوان گفت مغزهای متفکر و نخبگان برای برطرف نمودن نیازهای خود به کشور مقصد مهاجرت میکنند

مازلو

- . در کلیترین تقسیمبندی که از نیازها به عمل آمده، آنها را به دو دسته نیازهای اولیه یا غریزی و نیازهای ثانویه یا اکتسابی تقسیم میکنند (شولتز، ۱۳۷۸: ۳۶۵.) یکی از نظریات مهمی که در زمینهی نیازها و انگیزش مطرح شده است، نظریهی مازلو است. در این مدل، نیازها در طرحی که حاوی سلسله مراتب نیازهاست، معرفی شدهاند. در سلسله مراتب نیازهای مازلو، نیازهایی که در پلههای پایین نردبان انگیزش هستند باید قبل از آنهایی که در پلههای بالای نردبان هستند، ارضاء شوند.
-

کورت گلداشتاین

- در واقع نیازهای مراتب بالاتر ظاهر نمیشوند تا زمانی که نیازهای ردههای پایینتر حداقل تا حدودی ارضاء شوند. سلسله مراتب نیازهای انسان از پایین به بالا به ترتیب عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به امنیت، نیاز اجتماعی (تعلق)، نیاز به احترام که خود بر دو نوع است: یکی، نیاز به عزت نفس و دیگری، نیاز به احترام از سوی دیگران (مازلو، ۸۳ :۱۳۶۷) سرانجام در رأس سلسله مراتب، نیاز به خودیابی یا خودشکوفایی قرار میگیرد. این واژه که برای نخستین بار توسط کورت گلداشتاین [۲]ابداع گردید، به تمایل بشر برای تحقق بخشیدن به خویشتن؛ یعنی به گرایش او در جهت شکوفا شدن آن چیزی که بالقوه در وی وجود دارد، اشاره دارد. به عبارت دیگر یک فرد هر چه که میتواند باشد، باید باشد (آدامز و ریچارد،۲۰۰۳، ۸)

- طبیعی است در سلسله مراتب نیازهای مازلو بسته به اهمیتی که این نیازها برای متخصصان یک کشور دارند، جهت برآورده نمودن آنها تصمیم به مهاجرت به کشور دیگری خواهند گرفت. بهعنوان مثال، اگر فرد احساس کند در جریان زندگی خود با نوعی **عدم امنیت** رو به رو شده است، به احتمال زیاد به منظور به دست آوردن امنیت، تصمیم به ترک محل زندگی خود و **مهاجرت** به نقطهی دیگر را میگیرد؛ همچنین بسیاری از متخصصان و متفکران در صورتی که تشخیص دهند کشور مبدأ توان به فعلیت رساندن استعدادهای آنها را ندارد به منظور شکوفا نمودن استعدادهای خود آنجا را ترک میگویند (حاجی یوسفی و بهمرد، ۱۳۸۵: ۴۲.)

- مازلو دربارهی وجود مجموعهی دیگری از نیازهای انسان یعنی نیاز به دانستن و فهمیدن نیز بحث کرده است. از دید او بین این دو سلسله نیازها همپوشانی و تعاملی اجتنابناپذیر وجود دارد. دانستن و فهمیدن و یافتن معنا در زندگی یک فرد برای تعامل با محیط **امری بنیادی** است تا فرد بتواند به خوبی عمل کند و در نتیجه احترام و خودشکوفایی به دست آورد. بنابراین غیر ممکن است بتوان به خودشکوفایی رسید، هر گاه که نیاز به دانستن و فهمیدن ارضاء نشده باشد (گیدنز،۷۷،۱: ۱۳۷۴)

دانستن و فهمیدن و یافتن معنا

- بنابراین برای مشخص شدن انگیزههای مهاجرت در بین متخصصان باید دید در هر برههی زمانی در کدام یک از زمینههایی که برایشان مهم است، احساس کمبود میکنند

- اورت. اس. لی [۲]اقتصادانی است که در سال ۱۹۶۶تئوری کلاسیک جاذبه ـ دافعه را مطرح نموده است. وی عوامل مهم و مؤثر در تصمیمگیری برای مهاجرت بینالمللی را بدین شرح طبقهبندی میکند: اول، علل موجود در مبدأ (برانگیزنده و بازدارنده)؛ دوم، علل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)؛ سوم، موانع عمدهی مهاجرت از مبدأ به مقصد (موانع مداخلهگر) و چهارم، عوامل و ویژگیهای فردی مهاجران (پاپلی یزدی، :۱۳۸۲، ۲۳۰)
-

تئوری کلاسیک جاذبه ـ دافعه

- نظریهی وی به تئوری عوامل دافعه و جاذبه معروف است و بر این اساس، آن صورتی که برآیند علل برانگیزنده و بازدارندهی مثبت باشد منجر به عدم مهاجرت فرد میشود و اگر چنانچه فرد نتواند این تمایل را از میان ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده نداشته باشند؛ مهاجرت عینیت یافته و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز میکند. **نقطه ی قوت نظریهی لی، تأکید بر عوامل فردی است**. به اعتقاد او تحت تأثیر عوامل فردی است که برخی افراد مهاجرت را ترجیح میدهند و بدان مبادرت میورزند، حال آنکه برخی دیگر در محل سکونت خود باقی میمانند (ازکیا و پارتازیان، ۱۳۹۰، ۶۵)

اگر برآیند علل برانگیزنده و بازدارندهی مثبت باشد منجر به عدم مهاجرت فرد میشود

- راونشتاین ۳نیز در سال ۱۸۸۹قانون جاذبه ـ دافعه را با استفاده از سرشماریهای سال ۱۸۸۱که بیانگر مهاجرتها از ولز به انگلستان میباشند، تحلیل نموده است. قوانین مهاجرت راونشتاین از اولین تعاریفی است که مهاجران را اشخاصی به شمار میآورد که بهطور عقلایی برای دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر اقدام به مهاجرت مینمایند. به عقیدهی وی، مهاجرین به مناطقی که فرصتهای اقتصادی بیشتری به آنان بدهند، نقل مکان میکنند. راونشتاین بر آن است عوامل جذبکنندهی اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی فرد مهاجر را به سوی مهاجرت جلب مینمایند و عوامل نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی او را از محل اقامت خویش دفع میکنند. وی نتیجه میگیرد عوامل جاذبه از عوامل دافعه مهمتر هستند (ساکسینیان .۱۹۹۹) ،

- ۴وی در بررسی خود از پدیدهی مهاجرت، قوانینی وضع نموده که عبارتند از: مهاجرت و مسافت، مهاجرت مرحله ای، جریان و ضد جریان، اختلاف روستایی ـ شهری در تمایل به مهاجرت، فزونی شمار زنان در بین مهاجرین مسافت کوتاه، فناوری و مهاجرت و بالاخره قانون غلبهی اقتصادی. با توجه به قوانین راونشتاین میتوان نتیجه گرفت در مهاجرت مغزها به نظر میرسد مهاجرت در مسافتهای طولانی بیشتر برای مردان اتفاق میافتد تا زنان. با گسترش تکنولوژی و خطوط ارتباطی، مهاجرت مغزها تسهیل میشود. برخی انگیزههای اقتصادی زمینه را برای مهاجرت مغزها فراهم میکنند و اختلاف بین کشورهای توسعهیافته و کشورهای در حال توسعه در مهاجرت مغزها تأثیرگذار است (حاجی یوسفی و بهمرد، ۱۳۸۵:۳۸)

قوانین

پیشینه پژوهش

- تاکنون تحقیقات متعددی در ایران و سایر کشورها در حوزهی مهاجرت نخبگان انجام گرفته است. در ادامه به مرور اجمالی برخی از این تحقیقات که تناسب بیشتری با موضوع پژوهش حاضر دارند، پرداخته خواهد شد.

الف) تحقیقات داخلی

- حاجی یوسفی و بهمرد (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان »چرایی مهاجرت نخبگان از ایران پس از پایان جنگ تحمیلی« مدعیاند که در مهاجرت نخبگان عوامل اقتصادی تعیینکننده ترین نقش را داشته و همچنین هر چه تحصیلات افراد بالاتر میرود احساس عدم امنیت شغلی و عدم تناسب درآمد و هزینهی آنان نیز بیشتر میشود. **زنان بیش از مردان تبعیض و نابرابری درآمد را عاملی برای مهاجرت خود دانسته اند.** بعلاوه اینکه متخصصان رشتههای علوم انسانی و سپس مهندسی بیش از سایر متخصصان تبعیض و نابرابری درآمد را عامل مهاجرت خود میدانند (حاجی یوسفی و بهمرد، ۲۷-۶۷ :۱۳۸۵)

- جانمردی (۱۳۸۶) در «مطالعه ی جامعهشناختی پدیدهی مهاجرت نخبگان در ایران از سال ۱۳۳۲تا ۱۳۸۵» که در استان کردستان انجام شده نشان دادند که مهاجرت نخبگان **تحت تأثیر** جنس، سن، پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی، فشارهای اجتماعی، ساخت سیاسی، امکانات رفاهی، امکانات پژوهشی، ساختار علمی کشور، مشارکت سیاسی، تمایزات قومی، فاصله ی طبقاتی، امنیت، ضوابط پذیرش مهاجران، قانونمندی جامعه و شبکه های ارتباطی تشدید یا تضعیف میشود

- جانمردی، طالبی زیدی و رضایی (۱۳۸۸)در پژوهشی با عنوان »بررسی علل مهاجرت نخبگان دانشگاهی از مازندران طی سالهای «۱۳۷۰-۱۳۸۰اذعان میدارند که مهاجرت رابطهی مستقیمی با فرصتهای شغلی دارد؛

- بدین معنا که هر چه یک مکان از فرصتهای شغلی بیشتری برخوردار باشد، امکان جذب مهاجرین به آنجا نیز بالاتر است. علاوه بر این بین **سطح توسعه ی شهرها** و جذب مهاجرین رابطهی معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه توزیع نابرابر فرصتها در میان شهرها و کلانشهرهای کشور بیشتر باشد، احتمال افزایش مهاجرت هم وجود دارد. عواملی که منجر به خستگی نیروی انسانی خلاق شده و آنها را مجبور به انتخاب گزینه انزوا یا گریز مینماید، عبارتند از:
- ساختار مدیریتی ضعیف،
- روابط **بوروکراتیک** تعریف نشده و ضعف کارآمدی آنها (طالبی زیدی و رضایی، ۱۳۸۸۵۹:۶۸-)
-

- فرتوکزاده و اشراقی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان »مدلسازی دینامیکی پدیدهی مهاجرت نخبگان و نقش نظام آموزش عالی در آن« بیان میدارند که یکی از ضررهای نسبتاً پنهان پدیدهی مهاجرت نخبگان، کاسته شدن از سطح هوشی کل کشور به دلیل کاهش نسبت افراد باهوش در ایران است. اگر چه این پدیده از گذشته در ایران وجود داشته اما در دهه های ۷۰و ۸۰این روند شتاب فراوانی گرفته است. بسیاری از دارندگان مدال المپیادهای کشوری و صاحبان رتبه های یک و دو رقمی کنکور سراسری جذب کشورهای توسعه یافته شدهاند؛ همچنین بیش از ۱۵۰هزار نفر از جراحان و مهندسان ایرانی در کشور آمریکا زندگی میکنند. بهطوری که مقصد اصلی **۹۳درصد** از این مهاجرتها پنج کشور آمریکا، کانادا، آلمان، استرالیا و فرانسه میباشند (فرتوکزاده واشراقی ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۳۹) ،
-

ب) تحقیقات خارجی

- ایچر و گارسیا ،(۲۰۰۸) در مطالعهای به بررسی »تأثیر حفاظت از حقوق مالکیت فکری بر رشد و توسعهی اقتصادی« پرداخته اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که حمایت بیشتر از حقوق مالکیت فکری انگیزه ی بخش خصوصی را برای سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه، ارتقاء و تولید محصولات جدید و درآمد حاصل از نوآوری را افزایش میدهد. بنابراین تقاضا برای نیروی کار نخبه و ماهر افزایش مییابد و از مهاجرت نخبگان کاسته میشود
-

حمایت بیشتر از حقوق مالکیت فکری

- لیور و وندنبرگ ،(۲۰۰۸) به منظور ارائهی مدلی برای جاذبه ی مهاجرت آمارهای ۱۶ کشور *OECD*را طی سالهای ۱۹۹۱-۲۰۰۰مورد استفاده قرار داده و متغیرهایی مانند: نسبت جمعیت کشورهای مبدأ به مقصد، نسبت درآمد ملی واقعی، نسبت حمایت از حقوق مالکیت فکری، نسبت حاکمیت قانون و نسبت سرمایهی انسانی را در مورد آنها بررسی نمودند. نتایج حاصل از مدل گویای آن است که حمایت از درآمد ملی واقعی، حقوق مالکیت فکری، حاکمیت قانون و سرمایه ی انسانی اثر مثبت و معناداری بر جذب مهاجران در کشورهای *OECD*دارند
-

- بنگ و میترا ،(۲۰۱۱) ۲در تحقیقی با عنوان »فرار مغزها و نهادهای حکمرانی«، اثر نهادهای کشور مبدأ را بر سطح مهار مهاجرت به آمریکا مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان میدهد که عواملی از قبیل: ثبات سیاسی دولت، شکل سرمایهگذاری، کیفیت بوروکراسی در کشور مبدأ، حمایت از حقوق مالکیت و شفافیت تأثیر معناداری بر کاهش روند مهاجرت متخصصان دارای سطوح بالای مهارت به ایالات متحده آمریکا دارند.

شکل سرمایه گذاری

- ریبیارو ۳و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی دلایل مهاجرت متخصصان حوزهی پزشکی و بهداشت از کشور **پرتغال** پرداخته اند. این کشور که از اوایل دهه ی ۱۹۹۰مقصد مهاجرت متخصصان حوزه ی مراقبتهای بهداشتی از سایر نقاط جهان بوده، اکنون تبدیل به کشوری مهاجرفرست شده است. ریبیارو و همکارانش در تحقیقی که انجام دادند مهمترین دلایل این امر را به عواملی نظیر یافتن شغل، دستمزدهای پایین در هر دو بخش دولتی و خصوصی، سنگین بودن حجم کار، عدم تناسب پاداش با عملکرد و دورنمای شغلی ضعیف نسبت میدهند

- من حیثالمجموع، تحقیقات پیشین نشان میدهند که مهاجرت نخبگان تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی است با این حال، نقش عوامل اقتصادی و بویژه فرصتهای شغلی موجود برای نخبگان پررنگتر است. در نوشتار حاضر نیز عمدتاً تأکید بر روی همین دسته از عوامل میباشد

عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی

فرضیات پژوهش

- بر اساس مطالب فوق و با توجه به تعریف صورت گرفته از آینده ی شغلی در این پژوهش که در بخش تعاریف عملیاتی ذکر شده است، تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم نیازهای مادی، معنوی، روحی ـ روانی و تناسب شغل با رشتهی تحصیلی را به عنوان شاخصهای آینده ی شغلی و تأثیر جنسیت و سابقه ی مهاجرت (مثلاً، بواسطهی شرکت در المپیادهای بینالمللی یا سپری کردن دورهای از زندگی در سایر کشورها و ..). را به عنوان عوامل زمینهای بر تمایل به مهاجرت مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت (نمودار ۱)

آینده ی شغلی

بنابراین فرضیات ذیل مطمح نظر میباشند:

- ۱- نگرش دانشجویان نخبهی پسر به آیندهی شغلی خود در ایران کمتر از حد متوسط است.
- ۲- نگرش دانشجویان نخبهی دختر به آیندهی شغلی خود در ایران کمتر از حد متوسط است.
- ۳- نگرش به ارضای نیازهای مادی از طریق فرصتهای شغلی موجود برای نخبگان بر تمایل به مهاجرت اثر دارد.
- ۴- نگرش به ارضای نیازهای معنوی از طریق فرصتهای شغلی موجود برای نخبگان بر تمایل به مهاجرت اثر دارد.

- ۵- نگرش به ارضای نیازهای روحی ـ روانی از طریق فرصتهای شغلی موجود برای نخبگان بر تمایل به مهاجرت اثر دارد.

۶- تناسب شغل با رشتهی تحصیلی بر تمایل دانشجویان نخبه به مهاجرت اثر دارد.

۷- جنسیت بر تمایل دانشجویان نخبه به مهاجرت اثر دارد.

۸- سابقهی مهاجرت بر تمایل دانشجویان نخبه به مهاجرت اثر دارد

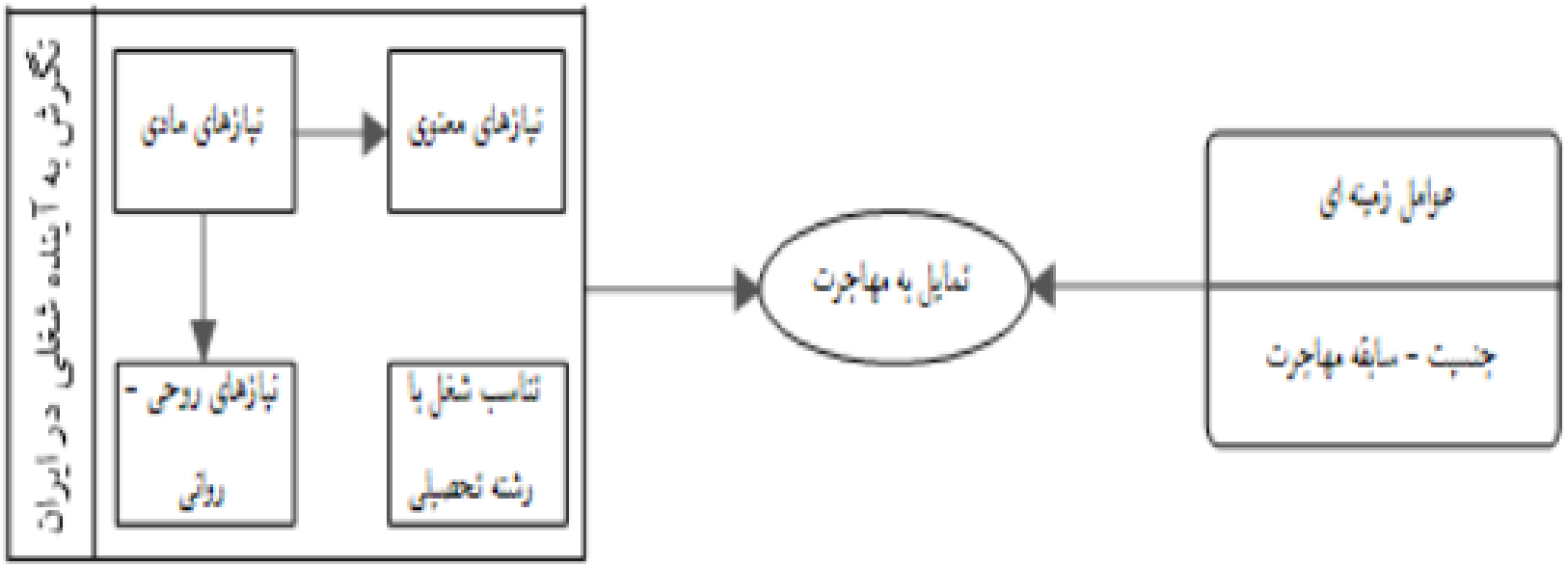

نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

- جامعه و نمونهی پژوهش: جامعهی آماری شامل آن دسته از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد است که در سال ۱۳۹۲در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بنابر تعریف بنیاد ملی نخبگان به عنوان نخبهی علمی معرفی شدهاند که تعدادشان برابر با ۹۰۸ نفر بوده است. از این تعداد ۶۰نفر بهعنوان نمونهی تحقیق انتخاب شدند. ابزار پژوهش و آزمونهای آماری: در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت تبیینی آن از روش »پیمایش« استفاده شده، تکنیک جمعآوری داده »پرسشنامهی محققساخت« و تکنیک اصلی تحلیل داده »رگرسیون لجستیک« بوده است. دادهها در نرمافزار *SPSS*مورد تحلیل قرار گرفته و مدل تحلیلی آن توسط نرمافزار *AMOS*ترسیم شده است

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: برای برآورد حجم نمونه از یک پیش‌آزمون ۳۰ موردی استفاده شد. واریانس متغیر وابسته[۱] (S^2)، انحراف معیار از میانگین ($Se\ \bar{x}$) و دقت احتمالی مطلوب ($d=t\ .\ Se\bar{x}$) محاسبه شده و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه به تعداد ۶۰[۲] نفر در بین ۱۱ دانشکده به تفکیک دانشکده‌ی محل تحصیل و مقطع تحصیلی به دست آمد که به شرح زیر است:

$$n=\frac{N(t\times s)^2}{Nd^2+(t\times s)^2}=\frac{۹۰۸\times(۱/۹۶\times ۴/۷۲)^۲}{(۹۰۸\times ۱/۲۳^۲)+(۱/۹۶\times ۴/۷۲)^۲}=۶۰/۰۹\approx ۶۰$$

- شیوهی نمونهگیری به کار رفته در این پژوهش، نمونهگیری طبقهبندی شده به روش انتساب اپتیموم ۳است که به نمونهگیری طبقهای با تخصیص بهینه نیز معروف است. در این روش مبنای تخصیص حجم نمونه در طبقات واریانس (پراکندگی) صفت مورد نظر در داخل هر طبقه میباشد، علت بکارگیری عنوان بهینه برای این روش نیز بر همین مبناست. لذا در طبقاتی که صفت مورد نظر پراکندگی بیشتری دارد، نمونهی تحقیق تابعی از این پراکندگی خواهد بود.

- برای استفاده از این روش اجرای سه مرحله الزامی است: اولاً، ابتدا در یک مطالعهی مقدماتی و با حجم نمونهی اندک، واریانس صفت مورد نظر به تفکیک برای تمامی طبقات محاسبه میشود. ثانیاً، در داخل هر طبقه و متناسب با واریانس به دست آمده در هر طبقه، نمونهی نهایی برآورد میشود. ثالثاً، با اجرای تحقیق در مقیاس واقعی آن و متناسب با حجم نمونه در هر طبقه، یافتههای حاصل از طبقات با هم مقایسه میشوند. دلیل **برتری نمونهگیری طبقهبندی شده** به روش انتساب اپتیموم بر سایر اشکال نمونهگیری طبقهبندی شده این است که در این روش به منظور دستیابی به میزان معینی از دقت، حجم نمونهی لازم برای کل جامعه به حداقل رسیده و در این صورت مخارج نمونهگیری کاهش مییابد
-

حجم نمونه در هر طبقه با استفاده از روش انتساب اپتیموم از فرمول ($n_i = \frac{N_i S_i}{\sum N_i S_i} n$) محاسبه می‌گردد. حال اگر v واریانس مطلوب ($V = \frac{d^2}{t^2}$) برای برآورد مجموع جامعه باشد، آنگاه فرمول برآورد تعداد نمونه (n) با فرض انتساب اپتیموم ($n = \frac{(\sum N_i S_i)^2}{v + \sum N_i S_i^2}$) خواهد بود (منصورفر، ۱۳۸۷: ۳۲۲-۳۲۰).

جدول ۱: نمونه‌ی آماری دانشجویان به تفکیک دانشکده و مقطع تحصیلی

دانشکده	کل	نمونه	کارشناسی	کارشناسی ارشد
ادبیات و علوم انسانی	۱۳۹	۹	۶	۳
اقتصاد و علوم اداری	۸۴	۳	۲	۱
الهیات و معارف اسلامی	۷۲	۵	۴	۱
دامپزشکی	۱۸	۴	۲	۲
علوم تربیتی و روانشناسی	۷۸	۶	۴	۲
علوم ریاضی	۶۴	۳	۲	۱
علوم پایه	۱۳۸	۷	۵	۲
کشاورزی	۱۰۸	۶	۵	۱
معماری و شهرسازی	۲۴	۱	۱	۰
منابع طبیعی	۱۵	۴	۲	۲
مهندسی	۱۶۸	۱۲	۸	۴
کل	۹۰۸	۶۰	۴۱	۱۹

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

- دانشجوی نخبه:
بر اساس مادهی ۳اساسنامه بنیاد ملی نخبگان، دانشجوی نخبه به فردی اطلاق میشود که حداقل دارای یکی از شرایط ذیل باشد:
.۱نفرات اول تا سوم المپیادهای معتبر علمی دانشآموزی و دانشجویی ملی و بینالمللی.

- .۲برگزیدگان مسابقات و جشنوارههای علمی معتبر داخلی و خارجی از قبیل جشنواره بینالمللی خوارزمی، جشنوارهی جوان خوارزمی، جشنوارهی علوم پزشکی رازی و جشنوارهی فارابی.

- .۳برگزیدگان از میان مخترعان و مکتشفان ایرانی.

-

- ۴برگزیدگان نفرات اول تا سوم مسابقات معتبر قرآنی داخلی و بینالمللی.

- .۵رتبههای برتر آزمونهای سراسری مقطع کارشناسی.

- .۶برگزیدگان از میان نفرات اول دانشآموختهی رشتههای دانشگاهی (کارشناسی و بالاتر) داخل کشور که دارای معدل کل حداقل ۱۷میباشند (حدادگر و همکاران، :۱۳۸۹,۱۰۰۸)

سازه ی نگرش به آیندهی شغلی در ایران:

- مجموعه فعالیتهایی که در رشتههای گوناگون و در یک دورهی معین (رضی، :۱۳۸۱ ،۳۲) با هدف دستیابی به شغلی متناسب با رشتهی تحصیلی (آزاده و همکاران، ۷ :۱۳۸۸) و ارضای نیازهای مادی و جسمی، معنوی و روحی ـ روانی صورت میگیرد (رضی،۳۲,۱۳۸۱) برای سنجش سازهی نگرش به آیندهی شغلی در ایران از طیف لیکرت پنج درجه ای استفاده شد.

- گویهها در سطح سنجش رتبهای و شاخص کلی سازه در سطح سنجش فاصلهای است. جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از روش روایی صوری (قضاوت داوران) و به منظور بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که از ضریب بالای ۰/۷۰برخوردار بوده است (جدول ۲)
-

به منظور بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده

جدول ۲: تعریف عملیاتی سازه‌ی نگرش به آینده‌ی شغلی در ایران (ضریب آلفای کرونباخ=۰/۷۴)

ابعاد	ابعاد فرعی	معرف	گویه
ارضای نیازها	مادی	وضعیت درآمد	اغلب در کشور ما درآمدهای تخصیص یافته به افراد با سابقه‌ی تحصیلی درخشان کمتر از ارزش خدماتی است که ارائه می‌دهند
		تأمین هزینه‌های پژوهشی	در ایران تأمین هزینه‌های پژوهشی به ندرت امکان‌پذیر است
		وضعیت امکانات رفاهی	به‌عنوان یک دانشجوی نخبه از دولت انتظار دارم که متوسط امکانات رفاهی نخبگان کشورهای پیشرفته را فراهم سازد
	معنوی	نیاز فرد درجهت کمک به کاستن از آلام مردمی	نخبگان بهترین افراد برای پاسخگویی به مهم‌ترین مسائل جامعه در رشته‌ی خودشان هستند
		ارائه‌ی خدمت به خلق بدون دریافت هزینه	آرمان متعالی یک انسان کمال‌گرا باید ارائه‌ی خدمت به واسطه‌ی شغل، بدون هیچ‌گونه چشمداشت مادی باشد
		نیاز به تحصیل علم	نیاز نخبگان به برخورداری از فرصت‌های مطالعاتی، جهت تحصیل علم نیازی است که در کشور ما کمتر به آن توجه می‌شود

روحی – روانی	پاداش در قبال عمل متناسب با ارزش عمل	از دستاوردهای علمی که توسط دانشجویان نخبه حاصل شده به گونه‌ای شایسته تقدیر به عمل نمی‌آید
	برخورداری از قدرت رهبری در بین افراد عادی	احراز مقام نخبگی به یک معنا واگذاری پست‌های مدیریتی به نخبگان در حوزه‌های مختلف است
	انتظار شهرت متناسب با بزرگی یا کوچکی عمل	نخبگان، خارج از محافل علمی‌و در بین اقشار مختلف مردم شناخته شده نیستند
	برخورداری از امکان همکاری با افراد هم سطح	در جامعه‌ی فعلی نخبگان مشاغلی مشابه افراد عادی دارند و فرصت کار کردن با تیم‌های متشکل از افراد هم سطح خود را نمی‌یابند
	برقراری تعاملات سالم با همکاران در محیط کار	در ایران نیاز به برقراری تعاملات سالم با همکاران در محیط کار به شیوه‌ی مطلوبی ارضاء می‌شود
	اوقات فراغت متناسب با قابلیت‌های فکری	در کشور ما برنامه‌ریزی‌های خاصی به منظور بهره‌برداری بهینه از اوقات فراغت نخبگان وجود دارد
تناسب شغل با رشته‌ی تحصیلی		فکر می‌کنم در شرایط موجود و با توانایی‌هایی که دارم بتوانم شغلی متناسب با رشته‌ام در داخل کشور بیابم. بلی ○ خیر ○

یافته های پژوهش

- ۷۰درصد اعضای نمونه را دانشجویان دختر و ۳۰درصد آن را دانشجویان پسر تشکیل میدهند. از لحاظ میزان تمرکز نخبگان علمی در دانشکدهها میتوان گفت دانشکدهی مهندسی با ۲۱/۴۳درصد از بیشترین میزان تمرکز از نظر حضور نخبگان علمی برخوردار بوده و پس از آن به ترتیب دانشکده های ادبیات (۱۶/۰۷درصد) ، علوم پایه (۱۲/۵ درصد) ، روانشناسی و کشاورزی (۱۰/۷۱درصد)، الهیات (۸/۹۳درصد)، اقتصاد و ریاضی (۵/۳۶درصد)، دامپزشکی و منابع طبیعی (۳/۵۷درصد) و معماری (۱/۷۹درصد) در مراتب بعدی قرار دارند
-

- درصد دانشجویان نخبه در مقطع کارشناسی و بقیه در مقطع کارشناسی ارشد (۳۰/۳۶درصد) مشغول به تحصیل بوده. بیش از نیمی از آنان (۵۸/۳درصد) دارای معدلی بین ۱۸-۲۰بوده و ۳۸/۳درصد در بازهی ۱۶-۱۸و تنها ۳/۳درصد از آنها معدلشان کمتر از ۱۶است. میانگین معدل پاسخگویان ۱۷/۹۸میباشد. ۴۳/۹درصد این دانشجویان موفق شدهاند ۲بار در سطوح مختلف المپیادها و مسابقات علمی مقام کسب کنند

- اغلب این دانشجویان (۸۸/۳درصد) هرگز تجربهی قبلی سفر به خارج از ایران را نداشته و تنها ۱۱/۷از آنها چنین تجربهای داشتهاند. ۷۵درصد اعضای نمونه آیندهی شغلی خود را در داخل کشور کمتر از حد متوسط و ۲۵درصد بالاتر از حد متوسط ارزیابی نمودهاند. ۶۷درصد نخبگان تمایل به مهاجرت داشته و ۳۳درصد تمایلی به خروج از کشور به قصد ادامه تحصیل یا کار ندارند. بهعبارتی ۸درصد از نخبگان امیدی به آیندهی شغلی در ایران نداشته، در عین حال تمایلی به خروج از کشور نیز در بین آنان دیده نمیشود. این در حالی است که تمامی دانشجویانی که حداقل یکبار به خارج از ایران سفر کردهاند (۱۱/۷درصد)، نه تنها آیندهی شغلی خود را کمتر از حد متوسط ارزیابی کرده بلکه تمایل به مهاجرت نیز در آنان وجود دارد
-

آیندهی شغلی خود را کمتر از حد متوسط ارزیابی کرده

جدول ۳: مقایسه‌ی شاخص‌های نگرش به آینده‌ی شغلی در ایران در بین دانشجویان نخبه‌ی دختر و پسر

شاخص‌های نگرش به آینده‌ی شغلی در ایران	پسران		دختران		معناداری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
نیازهای مادی	۶/۳۳	۱/۵۳	۸/۲۱	۱/۸۱	۰/۰۰۰
نیازهای معنوی	۹/۰۰	۲/۰۳	۹/۰۰	۱/۷۸	۰/۷۴۱
نیازهای روحی ـ روانی	۱۴/۳۹	۲/۱۷	۱۵/۵۷	۲/۵۵	۰/۰۹۱
شاخص کلی نگرش به آینده‌ی شغلی	۲۲/۱۴	۳/۸۶	۳۴/۰۸	۴/۴۴	۰/۰۱۴

بازه‌ی شاخص نیازهای مادی: ۱۵-۳، حد وسط: ۹؛ بازه‌ی شاخص نیازهای معنوی: ۱۵-۳، حد وسط: ۹؛ بازه‌ی شاخص نیازهای روحی ـ روانی: ۳۰-۶، حد وسط: ۱۸؛ بازه‌ی شاخص کلی نگرش به آینده‌ی شغلی در ایران: ۶۰-۱۲، حد وسط: ۳۶

- همانگونه که در جدول ۳ملاحظه میشود، تفاوت بین نگرش به آیندهی شغلی در ایران بین دانشجویان نخبهی دختر و پسر در سطح ۰/۰۵معنادار است. اگر چه بین نگرش به آیندهی شغلی دانشجویان نخبه دختر و پسر از نظر شاخص ارضاء نیازهای مادی تفاوت معناداری وجود دارد، اما بین نگرش این دو گروه از نظر شاخصهای ارضاء نیازهای معنوی و روحی - روانی تفاوت معناداری مشاهده نمیشود. با این وجود، وجه اشتراک هر دو گروه در این است که نسبت به ارضای انواع نیازها (به استثنای نیازهای معنوی) و بهطور کلی نسبت به آیندهی شغلی خود در ایران نگرش مثبتی ندارند (تأیید فرضیات اول و دوم). البته، مقایسهی وضعیت تمامی شاخصها نشان میدهد که این نگرش منفی در بین دانشجویان نخبهی پسر قویتر است
-

جدول ۴: تبیین شاخص‌های نگرش به آینده‌ی شغلی در ایران

متغیرهای پیش‌بین	ضریب بتا (*B*)	خطای استاندارد (*SE.B*)	فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪ نسبت شانس		
			حداقل	نسبت شانس (*Exp(B)*)	حداکثر
مقدار ثابت	۰/۱۴**	۲/۲۳	-	۱/۱۵	-
نیازهای معنوی	-۰/۱۸**	۰/۱۵	۰/۶۳	۰/۸۴	۰/۹۲
نیازهای مادی	-۰/۲۱**	۰/۱۷	۰/۵۸	۰/۸۱	۰/۸۸
نیازهای روحی - روانی	-۰/۱۳**	۰/۱۳	۰/۶۸	۰/۸۰	۰/۹۰
تناسب شغل با رشته	-۰/۶۵**	۰/۵۸	۰/۶۲	۰/۹۱	۰/۹۸

** متغیر وابسته: تمایل به مهاجرت $P<۰/۰۱$

- بر اساس جدول ۴ تمامی ضرایب رگرسیونی در سطح ۰/۰۱معنادار بوده و با توجه به ضریب تعیین (۰/۵۴) میتوان گفت ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل تبیین است. به این ترتیب، وجود این نگرش در بین نخبگان که شغل آینده ی آنها کمتر پاسخگوی نیازهای معنوی، مادی و روحی ـ روانیشان بوده و تناسب آن با رشته ی تحصیلیشان نیز کم است، احتمال تمایل به مهاجرت را در آنان افزایش خواهد داد (تأیید فرضیات ۳،۴،۵)
-

جدول ۵: تبیین عوامل زمینه‌ای

متغیرهای پیش‌بین	ضریب بتا (*B*)	خطای استاندارد (*SE.B*)	فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪ نسبت شانس		
			حداقل	نسبت شانس (*Exp(B)*)	حداکثر
مقدار ثابت	۰/۶۸	۱/۱۰	-	۱/۹۷	-
جنسیت	۰/۲۸	۰/۶۱	۰/۲۳	۱/۷۶	۲/۴۹
سابقه‌ی مهاجرت	۲/۰۸**	۱/۱۴	۱/۰۱	۱/۲۳	۱/۷۱

** متغیر وابسته: تمایل به مهاجرت $P<۰/۰۱$

- بر مبنای جدول ۵ جنسیت هیچگونه تأثیر معناداری بر افزایش یا کاهش احتمال تمایل به مهاجرت نداشته (عدم تأیید فرضیه ی ۷) در حالی که در رابطه با سابقهی مهاجرت میتوان نتیجه گرفت که هر چقدر این سابقه بیشتر باشد، احتمال تمایل به مهاجرت نیز افزایش مییابد)تأیید فرضیهی .

جدول ۶: تبیین شاخص ارضای نیازهای مادی (۱)

متغیر پیش‌بین	ضریب بتا (B)	خطای استاندارد ($SE.B$)	ضریب بتای استاندارد (β)	مقدار آماره‌ی t
مقدار ثابت	۸/۱۳	۰/۹۸	–	۸/۲۹
نیازهای مادی	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۵۴**	۰/۹۲

** متغیر وابسته: نیازهای معنوی $P<$۰/۰۱

- طبق جدول ۶ درباره ی اثر غیر مستقیم نیازهای مادی میتوان گفت ارضاء نیازهای مادی از طریق تحت تأثیر قرار دادن ارضاء نیازهای معنوی احتمال تمایل به مهاجرت را افزایش یا کاهش میدهد (کاهش ارضاء نیازهای مادی منجربه کاهش ارضاء نیازهای معنوی و در نتیجه افزایش احتمال تمایل به مهاجرت خواهد شد). در این مورد شاخص نیازهای مادی ابتدا بر روی شاخص نیازهای معنوی و سپس بر روی متغیر وابستهی اصلی یعنی تمایل به مهاجرت تأثیر میگذارد. بهعبارت دیگر، عدم برخورداری از امکانات دلخواه سبب کاهش انگیزه برای خدمت به دیگران خواهد شد. پس در جدول ۵ و همچنین جدول ۶ متغیرهای مستقل شاخص نیازهای معنوی و شاخص نیازهای روحی ـ روانی بهعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و تأثیر متغیر مستقل شاخص نیازهای مادی بر آنها سنجیده شده است
-

جدول ۷: تبیین شاخص ارضای نیازهای مادی (۲)

متغیر پیش‌بین	ضریب بتا (B)	خطای استاندارد ($SE.B$)	ضریب بتای استاندارد (β)	مقدار آماره‌ی t
مقدار ثابت	۱۰/۳۶	۱/۱۶	-	۸/۹۳
نیازهای مادی	۰/۶۴	۰/۱۵	۰/۶۳**	۴/۳۲
**متغیر وابسته: نیازهای روحی ـ روانی $P<$۰/۰۱				

- جدول ۷ نیز اثر غیر مستقیم نیازهای مادی را از طریق تأثیرگذاری بر نیازهای روحی ـ روانی نشان میدهد (کاهش ارضاء نیازهای مادی منجر به کاهش ارضاء نیازهای روحی ـ روانی و در نتیجه افزایش احتمال تمایل به مهاجرت خواهد شد). پس از حذف متغیر پیشبین جنسیت و اصلاح مدل مفهومی، سایر روابط علی مفروض مدلسازی شده (نمودار ۲) و تطابق مدل با دادههای تجربی مورد بررسی قرار گرفته است (جدول

جدول ۸: شاخص‌های نیکویی برازش مدل معادلات ساختاری

P-Value	*Chi-Square*	*Cimin/df*	*RMSEA*	*CFI*	*PCFI*	*PCLOSE*
۰/۶۵	۱۶/۱۱	۰/۸۴	۰/۰۰	۱	۰/۶۸	۰/۰۴

- بنابر نتایج مربوط به شاخصهای نیکویی برازش مدل معادلات ساختاری، شاخص کی دو برابر با ۱۶/۱۱با مقدار pبرابر با ۰/۶۵میباشد که حاکی از برازش مدل با دادههای تجربی است. بنابراین، مدل مفهومی تحقیق و فرضیات ارائه شده در رابطه با آن (غیر از فرضیهی مربوط به تأثیر جنسیت بر تمایل به مهاجرت) تأیید میشوند؛ به این معنا که از بین عوامل زمینهای، سابقهی مهاجرت بهطور مستقیم تمایل به مهاجرت را متأثر میسازد و از بین شاخصهای نگرش به آیندهی شغلی در ایران، تناسب شغل با رشتهی تحصیلی، ارضای نیازهای مادی، معنوی و روحی ـ روانی به صورت مستقیم بر تمایل به مهاجرت تأثیرگذارند. افزون بر این، ارضای نیازهای مادی به صورت غیر مستقیم و از طریق تأثیرگذاری بر ارضای نیازهای معنوی و روحی ـ روانی نیز بر تمایل به مهاجرت تأثیرگذار است
-

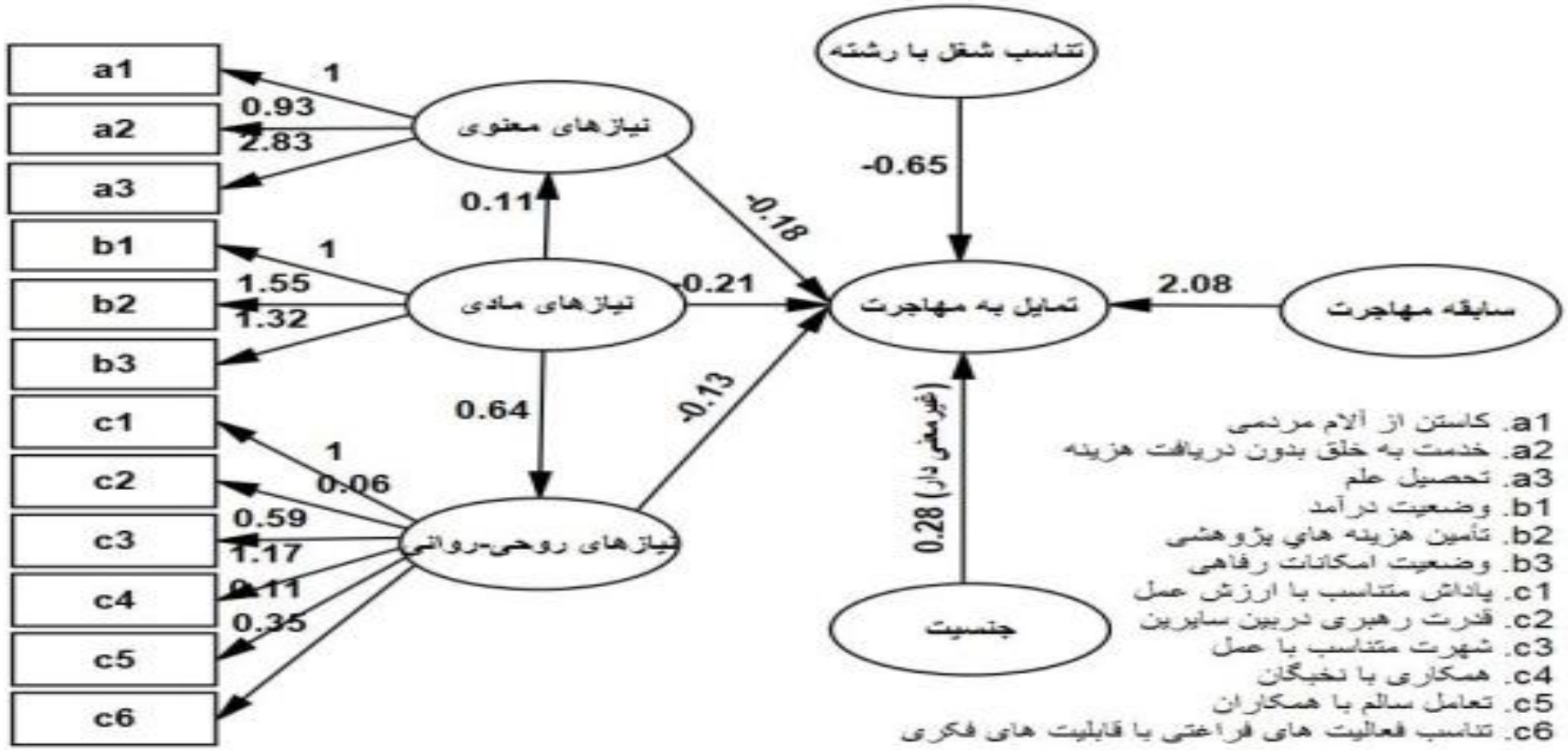

نمودار ۲: مدل تحلیلی تجربی

نتیجه گیری

- بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، چنانچه دانشجوی نخبه احساس کند شغل آیندهی وی متناسب با رشتهی تحصیلیاش نخواهد بود و یا اینکه در ارضای انواع نیازهای خود (شامل نیازهای مادی، معنوی و روحی ـ روانی) دچار کمبود خواهد شد، تمایل به مهاجرت در او تقویت میگردد. این امر بویژه در رابطه با ارضاء نیازهای مادی که میتوانند سایر انواع نیازها را تحت تأثیر قرار دهند، مد نظر قرار میگیرد. از طرفی، دانشجویانی که تجربه ی سفر به خارج از کشور (بواسطه ی شرکت در المپیاد و غیره) را داشته اند، تمایل بیشتری برای مبادرت به این امر نشان میدهند. یافتههای حاصل از تحقیقات حاجی یوسفی و همکاران، ۱۳۸۵؛ جانمردی و همکاران، ۱۳۸۶؛ طالبی زیدی و همکاران، ۱۳۸۸ نیز مؤید موارد پیش گفته میباشند.

- نکتهی قابل بحث دیگر در این پژوهش، عدم تأثیرگذاری جنسیت بر تمایل به مهاجرت است. این یافته مخالف با نظریهی راونشتاین (۱۸۸۹) دربارهی رابطهی جنسیت با مسافت در مهاجرت نخبگان و پژوهش جانمردی و همکاران (۱۳۸۶) در مورد مطالعهی پدیدهی مهاجرت نخبگان در ایران از ۱۳۳۲-۸۵است. راونشتاین ادعا میکند مهاجرت در مسافتهای طولانی بیشتر در مورد مردان رخ میدهد، در حالی که این تحقیق نشان داد که عملاً جنسیت بر تمایل به مهاجرت تأثیری ندارد

- البته، نظریهی راونشتاین متکی بر امری عینی (عمل مهاجرت) است، حال آنکه یافته این پژوهش از جنس ذهنیات (تمایل به مهاجرت) میباشد و ما در صورتی این یافته را متناقض با نظریهی راونشتاین میدانیم که این تمایلات در عمل محقق گردند. در صورتی که این امر محقق شود شاید بتوان دلیل آن را با استفاده از نظریهی راونشتاین اینگونه توضیح داد که مشکلات مربوط به مهاجرت مغزها (بویژه در مورد دختران) با استفاده از تکنولوژی و خطوط ارتباطی تسهیل یافته است. در زمینهی پژوهش جانمردی و همکاران میتوان تفاوت در نتایج را به تغییرات رخ داده در تمایلات نخبگان از ۱۳۸۵تا بحال و عمومیت یافتن تمایل به مهاجرت در بین دانشجویان نخبه (اعم از دختر و پسر) نسبت داد

تکنولوژی و خطوط ارتباطی

- در جمعبندی مباحث یاد شده میتوان گفت بارزترین عنصری که تمایل به مهاجرت را در ذهن نخبگان علمی تقویت میکند، اختلال در ارضای نیازهای مادی است که قادر است سایر انواع نیازها را تحت تأثیر قرار دهد. هر چند در این بین سهم عنصر سنخیت شغل با رشته ی تحصیلی نیز قابل توجه است. علاوه بر نیازهای مادی، تجربه مشاهده مستقیم شرایط تحصیلی و شغلی سایر کشورها نیز مقوم تمایل به مهاجرت در بین عدهی دیگری از نخبگان علمی بوده است

ارائه پیشنهادات و راهکارها

- **عدم تقویت فرهنگ مهاجرت از سوی مشوقان**: برخی اوقات مشوقان)بویژه اساتید، دوستان با تجربه و خانواده(به منزله ی گروه مرجع فرد عمل نموده و به این دلیل که معمولاً میزان الگوبرداری و تأثیرپذیری از این گروهها در حد بالایی است، نگرشهای منفی نسبت به آینده ی شغلی در داخل کشور را در آنها تقویت کرده و آنان را به ادامهی تحصیل یا کار در خارج از کشور ترغیب مینمایند.

- **همتراز ساختن وزن تشویقها**: اغلب وزن تشویقهای در نظر گرفته شده برای برخی از انواع گروههای نخبه بیش از نخبگان سایر زمینههاست؛ بدین معنا که تشویقهای منظور شده برای انواع مختلف نخبگان علمی چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی تقریباً از ارزش و اهمیت یکسانی برخوردار نیست که این خود میتواند منجر به افزایش فشارهای روحی ـ روانی و برتری دادن به یک گروه خاص از نخبگان نسبت به سایر گروههای نخبگی و در نتیجه کاهش همبستگی میان آنان در زمینههای گوناگون گردد.

- **نیازسنجی نخبگان**: اجرای پژوهشهایی با هدف اولویتبندی نیازهای نخبگان در ابعاد گوناگون که از طریق نظرخواهی از خود آنان صورت گرفته باشند. بهعنوان مثال نظرخواهی از نخبگان در رابطه با برنامهها و شیوههای مورد نظرشان برای گذران اوقات فراغت به گونهای که متناسب با برنامهریزی برای فعالیتهای اصلیشان بوده و خدشهای به این فعالیتها وارد نسازد. این امر خود میتواند بیانگر ابراز توجهات بیشتر به آنها و ارزش قائل شدن به فعالیتهایشان باشد